

روابط ایران و آلمان: شاید میکونوسی دیگر، یا هوفری دیگر!

محمد اسماعیل امینی

منابع معنوی اروپا به شمار می‌رود و اروپای مدرن بدون استفاده از این منبع غیرقابل تصور است.»

و آقای خاتمی هم گفت: «با توجه به اهمیت ویژه‌ای که برای روابط با آلمان قائل هستیم و نظر به این‌که آلمان پس از وحدت، در صحنه‌های بین‌المللی و به خصوص در اتحادیه اروپا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد، کشور زیبا و بااهمیت شما را برای سفر اروپایی خود در سال ۲۰۰۰ برگزیدم...»

که بلافاصله با دادن امتیازاتی از سوی برخی دیگر از کشورهای عضو اتحادیه اروپا تکمیل می‌شد. به عنوان مثال، وقتی گرهارد شرودر، صدر اعظم آلمان، اعلام کرد بیمه هرمس سقف بیمه خود در مورد ایران را از ۲۰۰ میلیون مارک به یک میلیارد مارک افزایش می‌دهد، بلافاصله «ساجه» - بیمه دولتی ایتالیا - اعلام کرد سقف پوشش بیمه‌ای ایتالیا برای اجرای طرح‌های صنعتی در ایران را به ۱/۳ میلیارد دلار افزایش داده است.

از سفر آقای سیدمحمد خاتمی به آلمان فدرال اینک بیش از شش هفته گذشته است. انتظار می‌رفت در این مدت زوایای ناشناخته این سفر، دستاوردهای آن و رویدادهای احتمالی که در آینده رخ خواهند داد و باید ریشه‌های آنها را در این سفر جستجو کرد، مورد ارزیابی رسانه‌ها قرار گیرد. اما رویدادهای حاد سیاسی داخلی و تنش‌هایی که پی‌درپی حادث شده است، مانع شد ذهن کارشناسان بر روی این سفر تأثیرگذار متمرکز شود.

سفر مورد بحث بی‌تردید یکی از مهم‌ترین رخداددهای دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی در رابطه با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است، زیرا این سفر معادله جدیدی را در روابط قدرت‌های غربی با جمهوری اسلامی ایران ایجاد خواهد کرد.

اگر به تمهیدات دولت آلمان فدرال برای انجام این سفر نظری کوتاه بیفکنیم، آنگاه متوجه اهمیت آن خواهیم شد. یکی از این تمهیدات تعلیق مقررات «قرارداد شنکن» به مدت یک هفته از سوی دولت آلمان بود. تعلیق اجرای این قرارداد که با سکوت و مدارای دول اروپایی پشتیبانی شد، دست دولت آلمان را باز گذاشت تا از ورود مخالفان جمهوری اسلامی ایرانی به آلمان، انجام تظاهرات و برخی کارهایی که می‌توانست مانع دستیابی دولت مدعو (دولت آلمان) به اهداف موردنظرش شود، ممانعت کند.

از دیگر سو، آلمانی‌ها از طرح هر مبحثی که ممکن بود اثرات مثبت این سفر را کاهش دهد، خودداری کردند. از جمله، بحثی از حقوق بشر به میان نیامد، در مورد ادعاهای گذشته راجع به کوشش ایران برای دستیابی به آنچه غربی‌ها در عرف کنونی دیپلماسی آن را «سلاح‌های کشتار جمعی» می‌نامند حرفی زده نشد و...

به عکس، در این سفر سه روزه، آلمانی‌ها همواره «مثبت» سخن گفتند و امتیازاتی دادند



خاتمی در آلمان... «شرودر» صدراعظم آلمان او را به خبرنگاران معرفی می‌کند

بر مبنای این واقعیات و دیگر شواهد، پایان سفر مورد بحث را باید آغاز دوره جدیدی در تاریخ مناسبات جمهوری اسلامی ایران با اروپای واحد، و به ویژه آلمان فدرال، تلقی کرد. گرچه این تحول موجب خوشنودی آلمانی‌ها و رهبران کشورهای عضو اتحادیه اروپا است، اما به عکس، دو قدرت غربی دیگر، یعنی انگلیس و آمریکا از این تحول ناخشنودند (گرچه این ناخشنودی را علنی نکرده‌اند).

انگلیسی‌ها براساس سیاست سنتی و دیرین

دولت‌ها و احزاب اروپای واحد سفر آقای خاتمی به آلمان و توافقات حاصل را با سکوت و رضایت نظاره کردند. چنان می‌نمود که آلمان به نیابت از اروپای واحد از رییس جمهوری ایران میزبانی می‌کند و با وی سخن می‌گوید. به این جمله «یوهانس راتو» رییس‌جمهور آلمان در ضیافت شامی که به افتخار آقای خاتمی ترتیب داده بود، توجه کنیم: «اسلام با آن‌که مسیحیان و مسلمانان در تاریخ پرماجرایی خود رنج فراوانی بر یکدیگر وارد آورده‌اند از

خود، ایران را چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ اقتصادی «شکارگاه اختصاصی» خود می‌پندارند. آنان بر این باور و حق چنان استوارند که گرچه در همه زمینه‌ها در سطح جهانی با آمریکاییان هم‌رأی و هم‌نظرند، اما در مورد ایران خط‌مشی مستقل خود را دنبال می‌کنند. (توجه کنید به نادیده گرفتن تحریم‌های آمریکا علیه ایران از سوی انگلیسی‌ها). آمریکایی‌ها نیز در صددند جایگاه از دست رفته خود را در ایران بار دیگر فراچنگ آورند.

بدین ترتیب اروپای واحد با نمایندگی آلمان (و گاهی فرانسه یا ایتالیا)، انگلیس و آمریکا در مورد ایران رقابت فشرده‌ای دارند. انگیزه این رقابت برای هر کدام از آنان متفاوت، اما حیاتی است. بدین لحاظ هر کدام می‌کوشند با فراهم آوردن زمینه‌های مناسب، به موقعیت رقابتی خود لطمه وارد سازند.

تعمق در روند روابط ایران با اروپای واحد و مخصوصاً آلمان، از زمان استقرار حکومت جمهوری اسلامی ایران به تنهایی کافی است این واقعیت را نشان دهد. برای شفاف‌تر نشان دادن این واقعیت، فراز و فرودهای روابط ایران و آلمان در دو دهه اخیر را به طور اجمالی بررسی می‌کنیم.

آلمان که از زمان بیسمارک در دهه ۱۸۸۰ روابط خود با ایران را به طور رسمی آغاز کرده، همواره روابط تجاری نسبتاً مستحکمی با تهران داشته است. موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و قرار گرفتن آن در مجاورت مناطق استراتژیکی متعدد (نظیر خلیج فارس، منطقه اوراسیا و قفقاز)، جمعیت بالا و بازارهای مصرفی و سوسه‌برانگیز و برخوردار از منابع گازی و نفتی غنی از جمله دلایل علاقه‌مندی آلمان به ایران است. در دوران پس از انقلاب اسلامی و روی کار آمدن یک سیستم ایدئولوژیک مخالف آمریکا در تهران و بالاخره در دوران جنگ هشت ساله عراق علیه ایران که تشدید خصومت میان تهران - واشنگتن را در پی داشت، بسن رفته‌رفته به بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران تبدیل شد. هنگامی که پس از جنگ دوم خلیج فارس در اوایل دهه ۱۹۹۰، دولت کلینتون رهیافت «مهار دو جانبه» و سیاست متروی‌سازی سیاسی - اقتصادی ایران را در دستور کار قرار داد، منافع تجاری و ملاحظات استراتژیکی آلمان و اروپا در

دسترسی مداوم به جریان نفت مانع از پیروی اروپا از سیاست‌های کاخ سفید شد و به همین دلیل بود که آلمان به صورت یکی از طراحان و مجریان اصلی رویکرد «گفتگوی انتقادی با تهران» درآمد.

با فروپاشی سیستم جماهیر شوروی و پیدایش جمهوری‌های جدید در آسیای میانه و نیز پس از آن که مشخص شد این منطقه یکی از مهم‌ترین منابع نفت و گاز جهان پس از خلیج فارس را در خود جای داده، اهمیت ژئواستراتژیکی ایران برای اروپا و آلمان در راستای دسترسی به منابع و بازارهای این منطقه مضاعف شد و به نوشته روزنامه Frankfurter Rundschau، تهران پس از ترکیه به عنوان دومین حلقه اتصال و دسترسی به منطقه اوراسیا درآمد. مجموعه این عوامل سبب شده است که اکنون محافل سیاسی آلمان و دیگر کشورهای اتحادیه اروپا به ایران به دیده «لنگرئیات» منطقه خزر و آسیا بنگرند.

روابط خوب با بن، برای تهران نیز حائز اهمیت بوده و هست. در طول سال‌های جنگ هشت ساله و پس از آن، اروپا و آلمان از منابع اصلی تأمین‌کننده نیازهای اقتصادی و تسلیحاتی ایران بوده‌اند (گرچه آنها به عراق نیز کمک‌های فراوان می‌کردند). پایان جنگ و ضرورت بازسازی کشور نیز فرصت تازه‌ای را فرا روی آلمان‌ها قرار داد تا با شرکت در بازسازی و سرمایه‌گذاری، نقشی جدی برعهده گیرند. گروهی از مقامات ایرانی بر این باورند که داشتن روابط خوب با آلمان در مقاطع حساس به نفع تهران بوده است. به عنوان مثال، در سال ۱۳۷۴ اکثریت صادرکنندگان اروپایی از دادوستد با ایران کنار کشیدند و حتی ارسال محموله‌های دارویی به ایران متوقف شد، اما آلمان‌ها از این رویه پیروی کامل نکردند.

در دوران جدید سیاست تنش‌زدایی در سیاست خارجی ایران، اروپا و در رأس آن آلمان اهمیت ویژه‌ای در معادلات سیاست خارجی کشور ایران پیدا کرده‌اند. سیاستمداران ایرانی سعی دارند در سایه شعارهای اصلاح‌طلبانه مطروحه توسط دولت و طرفداران خاتمی، روند پرتنش روابط با اروپا را بهبود بخشند و با این اقدام عرصه مناسبی برای توسعه اقتصادی و سازندگی کشور ایجاد کنند. بر همین اساس و پس از روی کار آمدن

آقای خاتمی، تهران به سیاست «گفتگوهای انتقادی» روی خوش نشان داد. با تمام این تفصیلات، موانعی جدی بر سر راه تعمیق روابط با آلمان وجود داشته و دارد. فراهم شدن امکان سفر آقای خاتمی به بن، در گام نخست، محصول انعطاف‌پذیری طرف‌های ایرانی و آلمانی در برخی از مواضع مورد علاقه آنها بوده است.

ایران و آلمان؛ جنگ دادگاه‌ها

روابط با آلمان در دو دهه اخیر همواره در مسیری پرفراز و نشیب جریان داشته است. قضیه سلمان رشدی و صدور فتوای قتل او توسط امام خمینی (ره) که به روابط ایران - اروپا و به تبع آن، آلمان، تأثیر منفی گذاشته بود از جمله مصادیق کاهش سطح روابط سیاسی و اقتصادی دو کشور بود. اما پرتنش‌ترین دوره روابط تهران - بن از سال ۱۹۹۲ و زمانی آغاز شد که عبدالرحمن قاسملو، از رهبران احزاب کُرد مخالف، و چند تن از همراهان او در رستورانی به نام میکونوس ترور شدند. برای نخستین بار در دوران پس از انقلاب اسلامی، آلمان یکی از مأموران منتسب به ایران، به نام کاظم دارابی، را به دادگاه کشاند. پس از این رویداد در سال ۱۹۹۳ یک آلمانی به نام هلموت هوفر به جرم داشتن روابط نامشروع جنسی با یک زن مسلمان ایرانی دستگیر و در حکم دادگاه بدوی به مرگ محکوم شد. قضیه به همین‌جا خاتمه نیافت. قاضی دادگاه میکونوس در سال ۱۹۹۷ حکمی صادر کرد که باعث به راه افتادن راهپیمایی‌های متعدد در ایران شد. این قاضی حکم داده بود که مقامات طراز اول حکومت ایران، برای محاکمه به آلمان آورده شوند. به دنبال صدور این حکم، تنش سیاسی میان آلمان و ایران اوج گرفت. سفیر آلمان در تهران به عنوان «عنصر نامطلوب» اخراج شد. به دنبال آن، کشورهای اروپایی که معمولاً سیاست خارجی واحدی در قبال موضوعات واحد ندارند، در یک اقدام هماهنگ سفرای خود را از تهران فرا خواندند. یونان تنها استثنای این اقدام بود. (توضیح این‌که در این دوره کاظم دارابی به حبس ابد محکوم شد).

این تنها مورد جنگ دادگاه‌ها نبود. فردی به نام حمید خرسند، ۳۷ ساله، در اواسط جولای ۱۹۹۹ به جرم جاسوسی در خاک آلمان

دستگیر شد. بن اعلام کرد که این فرد نیز به وزارت اطلاعات ایران وابسته است و جاسوسی ایرانیان تبعیدی مقیم آلمان را می‌کرده است. در ایران بار دیگر حکم اعدام هوفر تأیید شد و آلمان از این اقدام به خشم آمد.

جنگ دادگاه‌ها بر روابط سیاسی - اقتصادی دو طرف تأثیری بسیار منفی داشت. به قول کلاوس براتمان، رییس اتاق بازرگانی ایران و آلمان، دوران سال‌های ۱۹۹۹-۱۹۹۲ بدترین دوران روابط اقتصادی و تجاری بود. در این دوران سطح صادرات آلمان از سقف ۸ میلیارد مارک در سال ۱۹۹۲ به ۲ میلیارد مارک در سال ۱۹۹۹ تقلیل یافت. صادرات ایران به آلمان نیز در سقف پایین ۶۰۰ میلیون دلار باقی ماند و آلمان پس از امارات عربی متحده (۱۷/۱ درصد)، با ۱۳/۶ درصد مقام دوم را از حیث خرید کالاهای صادراتی ایران کسب کرد. به هر ترتیب با روی کار آمدن دولت آقای خاتمی در سال ۱۹۹۷، روند بهبود نسبی روابط تهران - اروپا به طور اعم و روابط تهران - بن به

طور اخص آغاز شد. با درخواست و دعوت کمال خرازی وزیر خارجه، سفری اروپایی به ایران باز گشتند، اما روابط در حالت نسبتاً سردی باقی ماند. روند گرم شدن روابط، با اقدامات و طرح شعارهای اصلاح‌طلبانه و گشایش نسبی در فضای داخل ایران، سرعت گرفت. با سفر آقای خاتمی به ایتالیا و فرانسه، آلمان برای پذیرش سفر خاتمی به آلمان قاطعیت بیشتری نشان داد. این امر تا حدودی معلول اشتیاق ایران به جذب سرمایه‌گذاری خارجی و رقابت ناشی از آن در میان اروپاییان، در غیاب شرکت‌های آمریکایی بود. با تمام این تفصیلات آلمان اصرار داشت که قضیه هلموت هوفر حل و فصل شود تا مقدمات سفر فراهم گردد. تهران نیز متقابلاً خواهان آزادی مأموران خویش در آلمان بود. به هر ترتیب تهران و بن در طول سال گذشته و جاری با آزادسازی محکومانیه که در اختیار داشتند به سوی نزدیکی هرچه بیشتر حرکت کردند. در ژوئن ۱۹۹۹ یوسف امین یکی از محکومان پرونده میکونوس

از زندان آزاد شد. متعاقب آن حمید خرسند در ماه ژانویه محاکمه و محکومیت نسبتاً سبکی دریافت کرد. در مقابل هلموت هوفر از اتهام وارده تبرئه شد و فقط به جرم اهانت به مأموران به پرداخت جریمه نقدی محکومیت یافت. این سلسله رویدادها امکان سفر آقایان خرازی و فیشر، وزرای خارجه دوطرف، به آلمان و ایران را مساعد ساخت.

از سوی دیگر، آلمان برای نشان دادن عزم قاطع خود برای به فراموشی سپردن گذشته، ترتیبی داد تا شرکت بیمه دولتی «هرمس» سقف اعتبارات بیمه اعطایی به صادرات ایرانی را بالا ببرد. به علاوه، آلمان برای اعطای وام از سوی بانک جهانی به ایران فعال‌تر ظاهر شد. به هر ترتیب با کنار رفتن ابرهای تیره‌ای که از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۹ بر آسمان روابط ایران - آلمان استیلا یافته بود، سیدمحمد خاتمی عازم آلمان شد و دولت بن نیز در عمل نشان داد که برای جلوگیری از شکست احتمالی این سفر حاضر به برقراری «وضعیت فوق‌العاده» در



ایران هوا سازان

(ایران و تیلاتور سابق)

بیش از ۲۵ سال سابقه در خشان در ساخت

و طراحی انواع هواکش های صنعتی فشار قوی، سابلون و پرده هوا

خیابان انقلاب، ابتدای خیابان دکتر مفتاح، ساختمان جم

تلفن: ۸۸۲۱۸۳۳ - ۸۸۴۴۹۹ - فاکس: ۸۸۲۵۲۲۸

IRAN VENTILATOR

کشور خویش است.

این امر تا حدودی معلول تجربه اخیری بود که از کنفرانس برلین بدست آمده بود. این نگرانی به بن محدود نمی‌شد و اصلاح‌طلبان، شخص رئیس‌جمهوری و افکار عمومی نگران آن بودند که می‌آید ایرانیان مخالف مقیم آلمان، حرکتی انجام دهند که بهانه سوءاستفاده تبلیغاتی را - همانند کنفرانس برلین - به دست جناح راست و رسانه‌های آنان دهد.

سفر خاتمی به آلمان، خالی از حادثه هم نبود. ایالات متحده، اسرائیل و برخی سازمان‌های بین‌المللی خواهان آن بودند که دولت بن به خاطر موضوعاتی نظیر محکومیت یهودیان متهم به جاسوسی در دادگاه شیراز، اعمال سیاست‌های انسدادی بر مطبوعات و بسته شدن بیش از ۱۷ نشریه و روزنامه، مسأله حقوق بشر، تروریسم و تلاش برای بدست آوردن سلاح‌های کشتار جمعی، بر خاتمی فشار آورد. در داخل ایران نیز برخی از رسانه‌های حامی جناح راست هرچه تیر در تیردان داشتند بر چله کمان‌های تبلیغاتی خود گذاشتند تا این سفر انجام نشود. در خود آلمان ۱۷۵ نفر از نمایندگان مجلس - بوندستاک - باامضای طوماری خواستار لغو یا تعویق سفر خاتمی به کشورشان شدند. گروه‌های اپوزیسیون ایرانی مقیم آلمان و اروپا نیز اعلام کرده بودند که هرچه در توان دارند به کار خواهند بست تا سفر خاتمی به شکل خوشایندی به پایان نرسد. به هر ترتیبی که بود آلمان در میان بی‌سابقه‌ترین تدابیر امنیتی، از بروز هرگونه رویداد ناخوشایند جلوگیری کرد و این سفر با آرامش و با دستاوردهای اقتصادی و سیاسی بسیار پراهمیتی پایان یافت.

چشم‌انداز آینده

گذشته از آنچه در باب روابط ایران - آلمان و فراز و نشیب‌های آن گفته شد، باید به خاطر داشت که تمایل اروپا و آلمان برای حفظ روابط گرم با تهران معلول ملاحظات و منابع استراتژیک آنها است.

منطقه خلیج فارس و اکنون آسیای میانه، از دیرباز برای اروپا و ژاپن در حوزه انرژی بسیار

حیاتی و استراتژیک بوده و هست. فروپاشی شوروی سابق و طرح نظریه نظام جهان تک‌قطبی به رهبری آمریکا، تلاش آمریکا برای تحمیل سیاست‌های خویش بر کشورهای اروپایی در حوزه روابط آنان با ایران و برخی کشورهای دیگر و نیز خاطره تجربه بحران‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ در زمینه انرژی به اروپاییان این درس را داده است که در صدد رسیدن به نوعی خودکفایی در رفتارها و مناسبات دیپلماتیک باشند. موقعیت ژئواستراتژیک ایران و شاخص‌های نسبتاً منحصر به فرد آن باعث شده است تا آلمان و اروپا نتوانند از کنار روابط با تهران بگذرند. هر دو طرف (ایران و اروپای متحد) مایلند که در مسیر اثبات حسن نیت حرکت کنند.

آلمان و اتحادیه اروپا برای نتیجه‌بخش کردن سفر آقای خاتمی به بن همه‌جانبه مایه گذاشتند، اما نتایج این سفر مایه ناخشنودی خلیج‌ها شده است

ایران امیدوار است که با برقراری روابط استراتژیک با روسیه و چین از یک سو و روابط بهتر با اروپا از دیگر سو، بتواند ایالات متحده را

به بازنگری در سیاست‌هایش وادارد، ولی بسیار خوش‌بینانه خواهد بود اگر وزن ایالات متحده در عرصه مناسبات بین‌المللی بیش از حد دست‌کم گرفته شود و چنین فرض گردد که مثلاً آلمان با حجم مبادلات ۲۴/۵ میلیارد دلاری با آمریکا، روابط خود یا واشنگتن را فدای روابط با تهران خواهد کرد. هیچ کشوری، حتی روسیه، چنین نخواهد کرد.

در بُعد احتمال موفقیت سیاست‌های تنش‌زدایی دولت آقای خاتمی، می‌توان موضوع را در دو سطح خوش‌بینانه و بدبینانه تحلیل کرد. در سطح خوش‌بینانه قضایا، روابط بهتر تهران با اروپا و در نهایت آمریکا، از شدت فشارهای وارده بر ایران خواهد کاست و تهران خواهد توانست به جایگاه بایسته‌تری در عرصه بین‌المللی دست یابد و به طور فعال وارد تعاملات مثبت و سازنده با جهان خارج شود. در شرایط کنونی روابط ایران با آلمان و دیگر کشورهای اتحادیه اروپا گرم و خالی از تشنج است. این وضع تا زمانی ادامه خواهد یافت که عناصر مخالف با این نوع روابط در دو سوی مرزهای ایران، یعنی در درون کشور یا در یکی از کشورهای اتحادیه اروپا، بحران جدیدی را خلق نکنند. بحران‌هایی نظیر دادگاه میکونوس یا ماجرای هوفر...

تحولات درونی ایران نشان می‌دهد مخالفان سیاست‌های آقای خاتمی هیچ فرصتی را برای پیشبرد مقاصد خویش ناسایده نمی‌گیرند، حتی اگر این فرصت به بهای تیره شدن روابط ایران با برخی از قدرت‌های تأثیرگذار جهانی (نظیر اتحادیه اروپا) تمام شود. در خارج از ایران نیز قدرت‌هایی نظیر انگلیس و آمریکا، به دلایلی که در آغاز این نوشته ذکر شد، از کوشش برای خدشه وارد کردن به روابط ترمیم یافته ایران با آلمان و دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا، فروگذاری نخواهند کرد.

بدین قرار این احتمال هست که در آینده باز هم شاهد وقوع ماجراهایی از نوع دادگاه میکونوس یا هلموت هوفر، منتها در شکل و قالبی دیگر باشیم!